

یکی از رخداد‌های مهم در آستانه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور پدیده سفیانی در منطقه شام و فتنه انگیزی این جریان است که در روایات از نشانه های حتمی ظهور شمرده شده است. خروج سفیانی از نظر زمانی اولین نشانه از نشانه های حتمی است که پیش از دیگر نشانه ها تحقق می یابد. موضوع خروج سفیانی در روایات اسلامی بسیار دقیق، روشن و شفاف بیان شده است؛ به گونه ای که هرگز قابل انطباق با هیچ فرد دیگری نمی باشد.

در این که سفیانی از نشانه های حتمی ظهور است تردیدی وجود ندارد. روایات درباره سفیانی، متواتر است که در منابع کهن و اصیل شیعه هم چون کافی، قرب الاسناد، کمال الدین، الغیبه نعمانی و الغیبه طوسی و نیز برخی از منابع کهن اهل سنت ذکر شده است.

بر اساس روایات، این فتنه چنان فراگیر می گردد که در اندک زمانی، بخش وسیعی از کشورهای عرب را تسخیر می کند. در این وضعیت بحرانی، فرد قدرت طلب و فتنه انگیزی چون سفیانی به قدرت می رسد و با جنگ افروزی و توسعه طلبی، بسیاری از شهرها و کشورهای منطقه از جمله مناطق شام، عراق، مدینه و... را به تصرف خود در می آورد و مسلمانان به ویژه شیعیان را به خاک و خون می کشد. بر این اساس، بیشترین جنگ افروزی ها قبل از ظهور توسط سفیانی خواهد بود.

از این رو، با توجه به انعکاس وسیع جریان سفیانی و پیامدهای فاجعه بار این حرکت شوم برای مناطق مسلمان نشین، لازم است روایاتی که خصوصیات و اوصاف سفیانی و نیز سیر تحولات ناشی از حرکت ضد اسلامی و ضد شیعی وی را بیان نموده اند، مورد توجه قرار گیرد تا وضعیت و شرایط جاری این منطقه در آستانه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به خوبی روشن گردد.

### الف) ویژگی های سفیانی

درباره خصوصیات اسمی سفیانی نقل های متفاوتی وجود دارد. در منابع روایی شیعی، وی با نام عثمان بن عنبسه و از تبار ابوسفیان یاد شده است؛ شخصی بسیار سفاک و خون آشام که مهم ترین خصیصه او آدم کشی و خون ریزی است. او هر حرام خدا را حلال نموده و به هر جنایتی دست می زند، وی سنگ دل ترین انسان هاست و هیچ رحم و عاطفه ای در زندگی اش دیده نمی شود.

در برخی از دیگر کتاب ها، از وی با نام هایی چون حرب بن عنبسه، عنبسه بن مره، عنبسه بن هند، عبدالله بن یزید، ابوعتبه و معاویه بن عتبه (1) یاد شده است؛ اما لقب معروف وی، سفیانی است. چراکه او از نسل ابوسفیان است. روایات، او را از نسل بنی امیه (شجره ملعونه) از تبار یزید بن معاویه و از بطن هند جگرخواره، معرفی کرده اند.

امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید: «يَخْرُجُ ابْنُ آكَلِهِ الْاُكْبَادِ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ وَ هُوَ رَجُلٌ رُبْعَهُ وَحَشُّ الْوَجْهِ ضَخْمُ الْهَامَةِ بُوَجْهِهِ اَثَرُ الْجُدْرِيِّ اِذَا رَاَيْتَهُ حَسِبْتَهُ اَعْوَرَ» (2) پسر هند جگرخواره از وادی یابس خروج می کند. او مردی میان بالا، با چهره ای وحشتناک، سر ستبر و آبله روی می باشد. هنگامی که او را ببینی، او را یک چشم می پنداری.»

سفیانی مرد خون آشامی است که وقتی به شهری حمله ور می شود آن را به خاک و خون می کشد، به کودکان و پیران نیز رحم نمی کند و حتی شکم زنان باردار را می درد! او پلیدترین انسان روی زمین است و همواره فریاد «انتقام، انتقام» سر می دهد. وی آن چنان سنگ دل است که حتی همسرش را زنده به گور می کند؛ چنان که امام صادق علیه السلام در ترسیم چهره کربیه وی می فرماید: «اِنَّكَ لَوْ رَاَيْتَ السُّفْيَانِيَّ لَرَاَيْتَ اَخْبَثَ النَّاسِ اَشْفَرَ اَحْمَرَ اَزْرَقَ يَقُولُ يَا رَبَّ تَأْرِي تَأْرِي ثُمَّ النَّارَ وَ قَدْ بَلَغَ مِنْ حُبِّهِ اَنَّهُ يَدْفِنُ اُمَّ وَ لَدِ لَهْ وَ هِيَ حَيَّةٌ مَخَافَهٗ اَنْ تَدَلَّ عَلَيْهِ» (3) اگر سفیانی را ببینی، پلیدترین انسان ها را دیده ای. او بور، سرخ روی و زاغ چشم است، گوید: خدا! انتقام، انتقام، سپس دوزخ! او به قدری خبیث است که مادر بچه اش را از ترس این که مبادا مخفیگاهش را نشان بدهد، زنده به گور می کند.»

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز نقل شده است که فرمود: «فَيَقْتُلُ حَتَّى يَبْقَرَ بَطُونَ النِّسَاءِ وَ يَقْتُلُ الصُّبْيَانَ؛ (4) سفیانی کشتار راه می اندازد، تا جایی که حتی شکم زنان را می شکافد و کودکان را از دم تیغ می گذراند.»

سفیانی و یارانش نسبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و شیعیان آنان، دل هایی مالمال از کینه و دشمنی دارند و مردان و زنانی را که هم نام با خاندان پیامبر علیه السلام باشند از بین می برند. امام باقر علیه السلام درباره دشمنی و کینه توزی شدید او علیه شیعیان می فرماید: «فَإِنَّ حَنْقَهُ وَ شَرَّهُهُ إِنَّمَا هِيَ عَلَى شِيعَتِنَا؛ (5) خشم و کینه او تنها نسبت به شیعیان ما است.»  
وی گرچه تظاهر به اسلام می کند، لیکن صلیبی از طلا برگردن دارد که نشان دهنده گرایش و وابستگی وی به مسیحیت است.

### حتمی بودن خروج سفیانی

خروج سفیانی و کشتارهای او از نشانه های حتمی ظهور است. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «إِنَّ خُرُوجَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتَمُومِ؛ (6) خروج سفیانی از امور حتمی است.»

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَمْسُ عَلَامَاتٍ مَحْتَمُومَاتٍ؛ الْيَمَانِيُّ وَ السُّفْيَانِيُّ وَ الصَّيْحَةُ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَ الْخُسْفُ بِالْبَيْدَاءِ؛ (7) پیش از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف پنج نشانه حتمی است: یمانی، سفیانی، بانگ آسمانی، قتل نفس زکیه و خسف بیداء.»

در روایت دیگری از آن حضرت نقل شده که فرمود: «إِنَّ أَمْرَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتَمُومِ وَ خُرُوجَهُ فِي رَجَبٍ؛ (8) سفیانی از نشانه های حتمی است و خروج وی در ماه رجب خواهد بود.»  
از .

### ج) زمان خروج سفیانی

زمان خروج سفیانی در روایات، ماه رجب بیان شده است. در این زمینه دو روایت از امام صادق علیه السلام نقل شده است. روایت یکم همان روایت پیشین است که مرحوم صدوق آن را در کمال الدین نقل کرده است که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ أَمْرَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتَمُومِ وَ خُرُوجَهُ فِي رَجَبٍ؛ (10) همانا خروج سفیانی از نشانه های حتمی است که در ماه رجب روی خواهد داد.»  
روایت دوم را نعمانی در الغیبه از امام صادق علیه السلام این چنین آورده است: «السُّفْيَانِيُّ لَا بَدَّ مِنْهُ وَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا فِي رَجَبٍ؛ (11) به طور قطع سفیانی قیام خواهد کرد و خروجش جز در ماه رجب نخواهد بود.»

### د) محل خروج سفیانی

محل خروج سفیانی در روایات، سرزمینی خشک از مناطق شام (12) ذکر شده است. امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «يَخْرُجُ مِنْ نَاحِيَةِ مَدِينَةِ دِمَشْقَ فِي وَادٍ يُقَالُ لَهُ وَادِي الْيَابِسِ؛ (13) سفیانی از سرزمین خشکی به نام وادی یابس در دمشق به پا می خیزد.»  
پیامبر اکرم نیز درباره سفیانی می فرماید: «يَخْرُجُ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ السُّفْيَانِيُّ فِي عَمَقِ دِمَشْقَ وَ عَامَهُ مَنْ يَتَّبَعُهُ مِنْ كَلْبٍ؛ (14) مردی از دل دمشق خروج می کند که به او سفیانی گویند و همه پیروانش از قبیله کلب هستند.»

هم چنین امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

«فَأَوَّلُ أَرْضٍ تَخْرَبُ أَرْضُ الشَّامِ ثُمَّ يَخْتَلِفُونَ عِنْدَ ذَلِكَ عَلَى ثَلَاثِ رَأْيَاتٍ رَأْيَهُ الْأَصْهَبِ وَ رَأْيَهُ الْأَبْفَعِ وَ رَأْيَهُ السُّفْيَانِيِّ فَيَلْتَقِي السُّفْيَانِيُّ بِالْأَبْفَعِ فَيَقْتُلُونَهُ فَيَقْتُلُهُ السُّفْيَانِيُّ وَ مَنْ تَبِعَهُ ثُمَّ يَقْتُلُ الْأَصْهَبِ؛ (15) اولین سرزمینی که خراب می شود، شام است. آن گاه سه پرچم با یک دیگر به جنگ برمی خیزند: پرچم اصهب و ابقع و سفیانی. سفیانی با ابقع مواجه می شود و با آن می جنگد. سفیانی او و یارانش را می کشد و پس از آن اصهب را به قتل می رساند.»

در روایت دیگر امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «يَخْرُجُ بِالشَّامِ فَيَنْقَادُ لَهُ أَهْلُ الشَّامِ إِلَّا طَوَائِفَ مِنَ الْمُقِيمِينَ عَلَى الْحَقِّ يَعَصِمُهُمُ اللَّهُ مِنَ الْخُرُوجِ مَعَهُ؛ (16) او در شام قیام می کند، پس شامیان از او اطاعت می کنند، مگر عده ای از کسانی که حق باورند و خداوند آن ها را از همراهی با او ننگه می دارد.»

سفیانی با تظاهر به دینداری، گروه زیادی از مسلمانان را فریب می دهد. او در ابتدا به تثبیت قدرت خویش در شام می پردازد، سپس وارد پیکار در عراق شده، پس از جنگ های متعددی، شهرهای عراق و حجاز را تسخیر می کند؛ آن گاه به شام باز می گردد. روایات مربوط به سرزمین شام و حوادث و شخصیت های آن در زمان ظهور فراوان است؛ اما محور اصلی این دسته روایات، جنبش سفیانی است که بر سرزمین شام استیلاء یافته و آن را به طور یک پارچه تحت فرمان خود در می آورد.

وی به منظور جلوگیری از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیروهای خود را به یاری فرمانروای حجاز می فرستد؛ (17) زیرا سفیانی با وجود فتوحات بسیار، نگران قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود که در آن روزها اخبار قیام او از مکه و مدینه بر سرزبان ها خواهد افتاد.

سپاهیان سفیانی پس از تهاجم به مدینه و اشغال آن شهر، تمامی شیعیان آن جا را قتل عام می کنند و با شنیدن خبر خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از مدینه به سمت مکه، حدود دوازده هزار نفر از آن ها به تعقیب حضرت، راهی شهر مکه می شوند که در میان راه، در بیابان بیداء، همگی به درون زمین فرو می روند و تنها دو یا سه نفر از آنان باقی می ماند تا این واقعه را گزارش کند.

#### ه) اهداف سفیانی

جنبش سفیانی در منطقه شام در اثر درگیری های فرقه ای جناح های سه گانه قدرت، به پیروزی می رسد: «تَخْرُجُ بِالشَّامِ ثَلَاثَ رَأْيَاتٍ؛ الْأَصْهَبِ وَ الْأَبْقَعِ وَ السُّفْيَانِيَّ؛ (18) در شام سه گروه پرچم برافراشته، به جنگ افروزی می پردازند: اصهب، ابقع و سفیانی.

سفیانی، با هدف توسعه طلبی و تسلط بر کشورهای خاورمیانه، از بیابان یابس (منطقه ای در دمشق) خروج می کند و به سوی فلسطین هجوم می آورد و مناطقی مثل دمشق، فلسطین، اردن، حمص، حلب و... را فتح می کند و به تصرف خود در می آورد. در مقابل او، اصهب و ابقع به قصد دست یابی به حکومت در شام، با وی به پیکار می پردازند، اما با شکست مواجه شده و کشته می گردند. پس از آن، دغدغه اصلی سفیانی، تسلط بر شیعیان اهل بیت علیهم السلام و جنگ با آنان خواهد بود.

از این رو، سیر حرکت سفیانی نشان می دهد که هدف او از قیام و درگیری، در ابتدا قدرت طلبی سیاسی است، اما در ادامه و پس از پیروزی بر رقبا، با توجه به خصومت شدید با شیعیان، دست به اقدامات خشونت بار علیه آنان می زند، به همین دلیل، پس از تصرف شهرهای عراق و مدینه به جنایات هولناکی علیه شیعیان دست می زند.

#### و) جنایات سفیانی

امام باقر علیه السلام وقتی جریان خروج سفیانی را برای جابر جعفی توضیح می دهد، می فرماید: «ثُمَّ لَا يَكُونُ لَهُ هِمَّةٌ إِلَّا الْإِقْبَالَ نَحْوَ الْعِرَاقِ؛ (19) سپس ابعاد از پیروزی بر رقبای خود تمام هم و تلاش او، این است که به سوی عراق حمله ور شود.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز در مورد بروز این فتنه ویران گر، هشدار داده، می فرماید: «يَخْرُجُ عَلَيْهِمُ السُّفْيَانِيُّ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ فِي قَوْمٍ ذَلِكَ حَتَّى يَنْزِلَ دِمَشْقَ فَيَبْعَثُ جَيْشَيْنِ جَيْشًا إِلَى الْمَشْرِقِ وَ آخَرَ إِلَى الْمَدِينَةِ حَتَّى يَنْزِلُوا بِأَرْضِ بَابِلَ مِنَ الْمَدِينَةِ الْمَلْعُونَةِ يَعْنِي بَغْدَادَ فَيَقْتُلُونَ أَكْثَرَ مِنْ ثَلَاثَةِ آلَافٍ وَ يَفْضَحُونَ أَكْثَرَ مِنْ مَائَةِ امْرَأَةٍ وَ يَقْتُلُونَ بِهَا ثَلَاثِمِائَةَ كَبْشٍ مِنْ بَنِي الْعَبَّاسِ ثُمَّ يَنْحَدِرُونَ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَخْرَبُونَ مَا حَوْلَهَا ثُمَّ يَخْرُجُونَ مُتَوَجِّهِينَ إِلَى الشَّامِ؛ (20)

در زمانی که مردم گرفتار انواع فتنه اند، عنصر پلیدی به نام سفیانی از وادی یابس (دره خشک) بر آنان خروج می کند و در دمشق فرود می آید. آن گاه دو سپاه، یکی به سوی مشرق و دیگری به سوی مدینه گسیل می دارد. سپاه او در سرزمین بابل و شهر بغداد - که نفرین شده است - فرود می آید و بیش از سه هزار نفر را می کشد و بیش از یک صد زن را هتک حرمت می کند و سیصد نفر از چهره ها و شخصیت های بنی عباس از بین می برد؛ سپس به کوفه سرازیر می گردد و خانه های اطراف آن را تخریب می کند، پس از آن به شام روی می آورد.»

جنایات هولناک سفیانی و قساوت و بی رحمی او تاجایی است که شکم زنان حامله را دریده و کودکان آنان را زنده زنده در دیگ می جوشانند: «يَخْرُجُ السُّفْيَانِيُّ فَيُقَاتِلُ حَتَّى يَبْقُرَ بَطُونَ النِّسَاءِ وَ يَغْلِي الْأَطْفَالَ فِي الْمَرَاجِلِ؛ (21) هنگامی که سفیانی خروج نماید، کشتار به راه می اندازد؛ تا جایی که حتی شکم زنان حامله را پاره کرده و اطفال و کودکان آن ها را در دیگ های بزرگ می جوشاند و می پزد.»

در حدیث دیگری که ابن خثیم از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده، آمده است: «يَقْتُلُ السُّفْيَانِي كُلَّ مَنْ عَصَاهُ وَيَنْشُرُهُمْ بِالْمَنَاشِيرِ وَ يَطْبِخُهُمْ بِالْقُدُورِ سِتَّةَ أَشْهُرٍ؛ (22) سفیانی هر که با او مخالفت کند را به قتل می رساند، او را در مراکز عام معرفی می کند و آنان را در دیگ های بزرگ می پزد، این رویه را تا شش ماه خواهد داشت.»

هم چنین از ایشان نقل شده است که فرمود: «يَخْرُجُ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ السُّفْيَانِي فِي عَمَقِ دِمَشْقٍ وَ عَامَهُ مَنْ يَتَّبِعُهُ مِنْ كَلْبٍ فَيَقْتُلُ حَتَّى يَبْقُرَ بَطُونِ النِّسَاءِ وَ يَقْتُلُ الصُّبْيَانَ؛ (23) مردی به نام سفیانی از دمشق خروج می کند که تمامی قبیله کلب از او پیروی می کنند. او کشتار به راه می اندازد تا آن جا که شکم زنان حامله را می درد و بچه ها را به قتل می رساند. آن گاه یمنی ها (قبائل قیس) جمع می شوند تا با او بجنگند، اما سفیانی آن ها را می کشد، به طوری که هیچ کس پناهی نمی یابد.»

در روایات بسیاری از جنایات هولناک او در شهرهای عراق خبر داده شده است. امام باقر علیه السلام می فرماید: «يَخْرُجُ السُّفْيَانِي يَوْمَ جُمُعَةٍ فَيَصْعَدُ مِنْبَرَ دِمَشْقٍ وَ يَبَايِعُ النَّاسَ عَلَى أَنْ لَا يُخَالِفُوا أَمْرَهُ رَضَوْهُ أَمْ كَرَهُوهُ. ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَى الْغُوطَةِ، فَيَجْتَمِعُ إِلَيْهِ خَمْسُونَ أَلْفَ مَقَاتِلٍ ثُمَّ تَخْتَلِفُ الرَّأْيَاتُ الثَّلَاثُ: فَرَأْيَهُ التُّرُكُ وَ الْعَجَمُ وَ هِيَ سَوْدَاءُ وَ رَأْيَهُ لِبَنِي الْعَبَّاسِ صَفْرَاءُ وَ رَأْيَهُ السُّفْيَانِي حَمْرَاءُ فَيَغْلِبُهُمُ السُّفْيَانِي بَعْدَ أَنْ يَقْتُلُ مِنْهُمْ سِتِّينَ أَلْفًا وَ يَسِيرُ إِلَى حُمْصٍ فَأَلَى الْفُرَاتِ؛ (24)

سفیانی در روز جمعه خروج می کند و بر منبر دمشق می نشیند و از مردم به زور بیعت می گیرد که خواه ناخواه از او اطاعت کنند. سپس به سوی منطقه غوطه (نواحی دمشق) حرکت می کند. در آن جا پنجاه هزار جنگاور گرد او می آیند. آنگاه سه گروه با سه پرچم، پشت سر هم خروج می کنند، پرچم ترکان و عجم که سیاه رنگ است، پرچم عباسیان که زرد رنگ است و پرچم سفیانی که به رنگ سرخ است. سفیانی با آنان به مقابله برمی خیزد و پس از آن که شصت هزار تن از آن ها را می کشد، بر آنان چیره می شود و به سوی حمص و سپس به سوی فرات حرکت می کند.»

سفیانی بعد از تسلط بر شهر کوفه، به اسارت، شکنجه و کشتار شیعیان می پردازد، این اقدام جنایتکارانه سفیانی چنان با بی رحمی و قساوت همراه است که حتی کودکان و از کار افتادگان نیز در امان نمی مانند و هر که شیعه باشد از دم تیغ خواهد گذشت.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «إِنَّا وَ آلَ أَبِي سَفْيَانَ أَهْلُ بَيْتَيْنِ تَعَادَيْنَا فِي اللَّهِ فَلَمَّا صَدَقَ اللَّهُ وَ قَالُوا كَذَبَ اللَّهُ قَاتَلَ أَبُو سَفْيَانَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِمَ وَ قَاتَلَ مُعَاوِيَةَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ قَاتَلَ يَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ السُّفْيَانِي يُقَاتِلُ الْقَائِمَ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ؛ (25)

ما و آل ابی سفیان دو خاندان هستیم که در امر خدا با یک دیگر دشمنی داریم، ما می گوئیم: خداوند راست می گوید و آن ها می گویند: خداوند دروغ می گوید! ابوسفیان با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم معاویه با علی بن ابی طالب علیه السلام و یزید بن معاویه با حسین بن علی علیه السلام جنگید و سفیانی هم با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جنگ خواهد کرد.»

سپاه متجاوز سفیانی، در منطقه ای در اطراف نجف که «روحاء» نام دارد پیاده می شود و ده ها هزار نفر از آنان برای اشغال نجف و کوفه حرکت می کنند؛ اما در ابتدا با مقاومت ستونی از مدافعانی که از بغداد می رسند، مواجه شده و با آنان در گیر می شوند و میانشان، جنگ سختی درمی گیرد که بالاخره سپاه سفیانی، پیروز می شود و کوفه را به اشغال خود درمی آورد و در آن جا به کشتار و غارت و اسارت مردم، می پردازد.

گرچه در مقابل تجاوز سفیانی، برخی از مردم برای دفاع از کوفه و مردم بی دفاع قیام می کنند، اما قیام آنان سرکوب می گردد. از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است: «إِذْ خَرَجَ السُّفْيَانِي فِي سِتِّينَ وَ ثَلَاثَمِائَةَ رَاكِبًا حَتَّى يَأْتِيَ دِمَشْقَ، فَلَمَّا يَأْتِي عَلَيْهِمْ شَهْرٌ حَتَّى يَتَابَعَهُ مِنْ كَلْبٍ ثَلَاثُونَ أَلْفًا فَيَبْعَثُ جَيْشًا إِلَى الْعِرَاقِ فَيَقْتُلُ بِالزُّورِ مَائَةَ أَلْفٍ وَ يَخْرُجُونَ إِلَى الْكُوفَةِ، فَيَنْتَهَبُونَهَا؛ (26)

هنگامی که سفیانی با سیصد و شصت سوار خروج کند، سی هزار نفر از قبیله کلب با او بیعت می کنند تا به دمشق رسد، هرما که بگذرد سی هزار سپاه از تبار کلب به او ملحق شوند سپس او سپاهی را تجهیز و به سوی شهرهای عراق می فرستد. آنها در بغداد، صد هزار نفر را می کشند و به سوی کوفه می روند و آن جا را می کوبند و لگد مال می کنند.»

عمر بن أبان کلبی، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: «كَانِي بِالسُّفْيَانِيَّ أَوْ بِصَاحِبِ السُّفْيَانِيَّ قَدْ طَرَحَ رَحْلَهُ فِي رَحْبَتِكُمْ بِالْكُوفَةِ فَنَادَى مُنَادِيَهُ مَنْ جَاءَ بِرَأْسِ شِيعَةِ عَلِيٍّ فَلَهُ أَلْفُ دِرْهَمٍ فَيَتْبَبُ الْجَارَ عَلَى جَارِهِ وَيَقُولُ هَذَا مِنْهُمْ فَيَضْرِبُ عُنُقَهُ وَ يَأْخُذُ أَلْفَ دِرْهَمٍ أَمَا إِنْ إِمَارَتَكُمْ يَوْمَئِذٍ لَا يَكُونُ إِلَّا لَأَوْلَادِ الْبَغَايَا وَ كَانِي أَنْظُرُ إِلَى صَاحِبِ الْبُرْقِعِ قُلْتُ وَ مَنْ صَاحِبِ الْبُرْقِعِ؛

گویا می بینم که سفیانی یا نماینده او بار و بنیه خود را در میدان کوفه پهن کرده (کنایه از اشغال و غارت) و منادی او فریاد می زند که هر کس سر یکی از شیعیان علی علیه السلام را بیاورد، هزار درهم جایزه می گیرد. آن گاه همسایه بر همسایه یورش می برد و به بهانه این که او از شیعیان علی علیه السلام است، او را گردن زده و هزار درهم می گیرد.

آگاه باشید که حکومت شما در آن روز با زنازادگان خواهد بود. گویا می بینم کسی را که نقاب به صورت دارد». راوی عرض می کند: «چه کسی نقاب به صورت دارد؟» سپس آن حضرت فرمود: «فَقَالَ رَجُلٌ مِنْكُمْ يَقُولُ بِقَوْلِكُمْ يَلْبَسُ الْبُرْقِعَ فَيَحُوشِكُمْ فَيَعْرِفُكُمْ وَ لَا تَعْرِفُونَهُ فَيَعْمَزُ بِكُمْ رَجُلًا رَجُلًا أَمَا إِنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا ابْنُ بَغِيٍّ؛ [27] شخصی از خود شما که ظاهراً شیعه است، اما نقاب به صورت می کند و شما را شناسایی می کند، اما شما او را نمی شناسید. سپس یکی یکی معرفی می کند. بدانید که او نیز زنازاده است.»

امیرمؤمنان علیه السلام نیز می فرماید: «لم يزل السفیانی من اسمه محمد و علی و الحسن و الحسين و جعفر و موسی و فاطمه و زینب و مریم و خدیجه و سکینه و رقیه حنقا و بعضاً لال محمد صلی الله علیه و آله و سلم؛ [28] سفیانی هر که از مردان و زنان را که محمد، علی، حسن، حسین، جعفر، موسی، فاطمه، زینب، مریم، خدیجه، سکینه و رقیه نام داشته باشند، به خاطر دشمنی با آل پیامبر علیه السلام می کشد.»

جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: «وَ يَظْهَرُ السُّفْيَانِيُّ وَ مَنْ مَعَهُ حَتَّى لَا يَكُونُ لَهُ هِمَّةٌ إِلَّا آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم وَ شِيعَتَهُمْ فَيَبْعَثُ بَعْنًا إِلَى الْكُوفَةِ فَيَصَابُ بِأَنَاسٍ مِنْ شِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ بِالْكُوفَةِ قَتْلًا وَ صَلْبًا؛ [29] سفیانی و هواداران او پیروز می گردند، تا آن جا که هیچ همتی جز دست یابی به آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و پیروان و شیعیان آن ها ندارند. بدین منظور سپاهی به کوفه اعزام می شوند و پیروان آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را کشتار نموده و به دار می آویزند.»

در روایت دیگری که آن را نیز جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام نقل کرده، آمده است: «وَ يَبْعَثُ السُّفْيَانِيُّ جَيْشًا إِلَى الْكُوفَةِ وَ عِدَّتَهُمْ سَبْعُونَ أَلْفًا فَيُصِيبُونَ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ قَتْلًا وَ صَلْبًا وَ سَبْيًا؛ [30] سفیانی لشکری هفتاد هزار نفری به کوفه گسیل می دارد. آنان اهل کوفه را می کشند و به دار می آویزند و برخی را نیز به اسارت می گیرند.»

لشکریان سفیانی در طول سه روز، به تاراج و کشتار وسیع مردم کوفه می پردازند: «يَدْخُلُ السُّفْيَانِيُّ الْكُوفَةَ فَيَسْبِيهَا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ يَقْتُلُ مِنْ أَهْلِهَا سِتِّينَ أَلْفًا وَ يَمَكْتُ فِيهَا ثَمَانِيَةَ عَشْرَةَ كَيْلَهُ يَقْسِمُ أَمْوَالَهَا؛ [31] سفیانی وارد شهر کوفه می شود و در طول سه روز، آن جا را پایمال کرده و شصت هزار نفر از ساکنان آن را به قتل می رساند. سپس حدود هجده شب در آن جا می ماند و اموال غارت شده مردم را در میانسپاه خود تقسیم می کند.»

عراق و مخصوصاً شهر شیعه نشین کوفه در زمان تسلط سفیانی، به کلی تخریب می شود: «وَ أَمَّا الْكُوفَانُ فَيَخْرِبُهَا رَجُلٌ مِنْ آلِ عَنبَسَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ يَعْنِي السُّفْيَانِيَّ؛ [32] مردی از تبار عنبسه بن ابی سفیان (سفیانی) کوفه (عراق) را خراب خواهد کرد.»

تبعات خرابی و ویرانی ناشی از سلطه سفیانی، نظیر فقر، نفرت، اختلاف، ناامنی، فساد و تباهی، دامن گیر سراسر مردم این منطقه خواهد شد؛ مخصوصاً عراق که هیچ گاه روی آرامش و قرار را نخواهد دید.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «يُزَجَرُ النَّاسُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ عَنْ مَعَاصِيهِمْ بِنَارٍ تَظْهَرُ لَهُمْ فِي السَّمَاءِ وَ حُمْرِهِ تَجَلُّلُ السَّمَاءِ وَ حَسْفٌ بِبَعْدَادَ وَ حَسْفٌ بِبَلْدَةِ الْبَصْرَةِ وَ دِمَاءٌ تُسْفَكُ بِهَا وَ خَرَابٌ دُورَهَا وَ قَنَاءٌ يَقَعُ فِي أَهْلِهَا وَ شُمُولُ أَهْلِ الْعِرَاقِ خَوْفٌ لَا يَكُونُ مَعَهُ قَرَارٌ؛ [33] قبل از قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به واسطه پدیدار شدن آتشی در آسمان و بالا رفتن و بزرگ شدن سرخی [شعله های جنگ] در آسمان، مردم کیفر گناهان و معاصی خود را دیده و عذاب خواهند شد. هم چنین مردم به واسطه فرورفتن شهرهای بغداد و بصره در زمین، ریخته شدن خون ها، خراب شدن خانه ها، نابود شدن مردم، ظاهر شدن ترس و وحشت در میان مردم عراق که آرامش و قرار را از آن ها سلب خواهد کرد، عذاب می گردند.»



از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز نقل شده است که فرمود: «يُوشِكُ أَهْلُ الْعِرَاقِ أَنْ لَا يَجِيءَ إِلَيْهِمْ قَفِيزٌ وَلَا دِرْهَمٌ، قَبْلَ مِنْ أَيْنَ؟ قَالَ: مِنْ قَبْلِ الْعَجَمِ يَمْنَعُونَ ذَلِكَ، ثُمَّ قَالَ: يُوشِكُ أَهْلُ الشَّامِ أَنْ لَا يَجِيءَ إِلَيْهِمْ دِينَارٌ وَلَا مَدْي، قَبْلَ مِنْ أَيْنَ ذَلِكَ؟ قَالَ: مِنْ قَبْلِ الرُّومِ وَ مَنَعَتِ الْعِرَاقَ قَفِيزَهَا وَ دِرْهَمَهَا وَ مَنَعَتْ مِصْرَ إِرْدَبْهَا وَ دِينَارَهَا وَ عِدَّتُمْ مِنْ حَيْثُ بَدَأْتُمْ؛ يَعْنِي يَخْرُجُ النَّاسُ عَنِ الدِّينِ فَوْجًا فَوْجًا؛ (34)

عراق از پیمانانه مخصوص به خود و درهمش توسط عجم ها منع می شوند، اهل شام از پیمانانه مخصوص به خود و دینارش توسط رومی ها (غرب) ممانعت می شوند (تحریم اقتصادی می شوند) و مصر از پیمانانه مخصوص به خود و دینارش محروم می شوند و بر می گردید به همان جایی که شروع کردید؛ یعنی مردم گروه گروه از دین خارج می شوند.»

### پیوستگی قیام سفیانی با ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

از موضوعات اساسی مربوط به حرکت سفیانی، فاصله زمانی آن با ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. روایات متعددی بر پیوستگی و نزدیکی این دو حادثه مهم دلالت می کنند. روایات یادشده عبارت اند از:

#### 1. روایاتی که به پیوستگی این دو حادثه تصریح دارد:

امام باقر علیه السلام در حدیث معتبری پس از اشاره به جنگ های سفیانی و حمله او به کوفه و مدینه و فرو رفتن سپاه او در سرزمین بیداء فرموده اند:

...و القائم يومئذ بمكة قد اسند ظهره الى الكعبة...: (35)

...و قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن روز در مکه است و به کعبه تکیه کرده و ...

آن حضرت در حدیثی معتبر فرموده اند:

...هُمُ وَاللَّهِ أَصْحَابُ الْقَائِمِ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ يَجْتَمِعُونَ وَاللَّهُ إِلَيْهِ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ فَإِذَا جَاءَ إِلَى الْبَيْدَاءِ يَخْرُجُ إِلَيْهِ جَيْشُ السُّفْيَانِيِّ قِيَامُ اللَّهِ الْأَرْضَ فَتَأْخُذُ بِأَقْدَامِهِمْ...: (36)

...به خداوند سوگند آنان یاران قائمند؛ به خدا سوگند در یک لحظه اطرافش گرد می آیند و چون به بیداء می رسد سپاه سفیانی به سویش حرکت می کند. پس خداوند به زمین دستور می دهد و زمین پای آنان را می گیرد. ...

امام صادق علیه السلام نیز در حدیث معتبری در پاسخ به این سؤال که فرج شیعیان شما کی خواهد بود، فرموده اند:

...و ظهر السفیانی و اقبل الیمانی و تحرک الحسنی... و يستأذن الله في ظهوره فيطلع على ذلك بعض موالیه فیأتی الحسنی فیخبره الخبر فیبتدره الحسنی الی الخروج فیثب عليه اهل مکه و یقتلونه و یبعثون برأسه الی الشامی فیظهر عند ذلك صاحب هذا الامر: (37)

...وقتی که سفیانی ظهور کند و یمانی آشکار شود و حسنی جنبش خود را آغاز نماید... و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از خداوند درباره ظهورش اجازه می خواهد پس یکی از موالیان آن حضرت از این موضوع آگاه می شود و نزد حسنی آمده و او را از خبر آگاه می کند و حسنی در قیام بر آن حضرت پیش دستی می کند، پس مردم مکه بر او شوریده و او را به قتل می رسانند و سرش را نزد شامی می فرستند، پس در این هنگام صاحب این امر ظهور می کند.

این روایت از هم زمانی ظهور با جنبش «شامی» خبر می دهد. شامی یاد شده، به دو دلیل همان سفیانی است:

دلیل اول، سایر روایاتی است که آغاز قیام سفیانی را از شام می داند، و بر این اساس، نامیدن سفیانی به شامی توجیه پذیر است.

دلیل دوم، صدر روایت است که در آن به قیام سفیانی تصریح شده و نامی از شامی نیامده، و در ادامه به فرستادن سر حسنی برای شامی اشاره شده که نشان می دهد: شامی، همان سفیانی است.

آن حضرت در حدیث دیگری فرموده اند:

السفیانی والقائم فی سنه: (38)

حرکت سفیانی و ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در یک سال است.

سند روایت فوق ضعیف است، و به همین دلیل، ما آن را در انتها آوردیم. اما از آن جا که محتوای آن را روایات پیش گفته تأیید می کنند، به صدور آن از معصوم می توان اطمینان حاصل کرد.

2. روایاتی که ظهور در پیوستگی این دو رخداد دارند؛ امام باقر علیه السلام در روایتی فرموده اند:

لایکون ما ترجون حتی یخطب السفیانی علی أعوادها فإذا کان ذلک انحدر علیکم قائم آل محمد من قبل الحجاز؛ (39)  
آن چه انتظارش را می کشید، رخ نخواهد داد تا این که سفیانی بر منبر خطبه بخواند. وقتی چنین شد قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم از سمت حجاز با شتاب به سوی شما می آید.

آن حضرت در روایت دیگری در پاسخ سوال از سفیانی فرمودند:

و آئی لکم بالسفیانی حتی یخرج قبله الشیصبانی... فتوقعوا بعد ذلک السفیانی و خروج القائم؛ (40)  
ممکن نخواهد بود شما سفیانی را درک کنید مگر این که پیش از او شیصبانی قیام کند... پس از آن منتظر سفیانی و ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف باشید.

3. روایاتی که شیعیان را به حرکت و یا حرکت به سمت مکه پس از خروج سفیانی دعوت کرده است؛ امام باقر علیه السلام در روایت معتبری می فرمایند:

کفی بالسفیانی نقمه لکم من عدوکم ... من أراد منهم أن یخرج، یخرج إلى المدینه أو إلى مکه أو إلى بعض البلدان. ثم قال: ما تصنعون بالمدینه و إنما یقصد جیش الفاسق إليها و لکن علیکم بمکه فانها مجمعکم...؛ (41)

سفیانی برای عذاب دشمنان شما بس است... شیعیانی که می خواهند از دست سفیانی بگریزند به مدینه یا مکه یا دیگر شهرها بروند. سپس فرمودند: به مدینه نروید؛ زیرا سپاه مرد فاسق (سفیانی) به آن جا حمله خواهد کرد، بلکه بر شما باد به مکه؛ چرا که آن جا محل اجتماع شماست. امام صادق علیه السلام نیز در حدیث معتبری فرمودند:

إذا کان رجب فاقبلوا علی اسم الله عزوجل و إن أحببتم أن تتأخروا إلى شعبان فلاضیر و إن أحببتم أن تصوموا فی أھالیکم فلعن ذلک أن یکون أفوی و کفاکم بالسفیانی علامه؛ (42)

چون رجب فرارسید با نام خدا حرکت کنید. اگر خواستید تا شعبان صبر کنید، مانعی ندارد، و باز اگر مایل بودید ماه رمضان را در نزد خانواده خود باشید، شاید برایتان بهتر باشد، و سفیانی به عنوان علامتی برای شما، بس خواهد بود.

در این روایات به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریح نشده است، لیکن به نظر می رسد سفارش شیعیان به حرکت به سوی مکه، آن هم بلافاصله پس از خروج سفیانی که از نشانه های ظهور است، و تذکر این نکته که: آن جا محل اجتماع شماست، اشاره به حادثه ظهور است که در مکه رخ خواهد داد.

4. روایاتی که شیعیان را به حرکت به سوی اهل بیت علیهم السلام پس از خروج سفیانی دعوت کرده است؛ امام صادق علیه السلام در روایت معتبری فرموده اند:

یا سدید الزم بیتک و کن حلساً من احلاسه، واسکن ما سکن اللیل والنهار. فاذا بلغک ان السفیانی قد خرج، فارحل الینا و لو علی رجلک؛ (43)

ای سدید، از خانه ات بیرون نیا و چون گلیمی از گلیم های خانه باش و تا شب و روز آرام است تو نیز ساکت باش. همین که خبر قیام سفیانی به تو رسید، به سمت ما کوچ کن، گرچه با پای پیاده باشی.

آن حضرت در حدیث دیگری فرمودند:

لاتبرح الارض یا فضل حتی یخرج السفیانی، فإذا خرج السفیانی فأجیبوا إلینا [یقولها ثلاثاً] و هو من المحتوم؛ (44)

ای فضل، از جایت حرکت نکن تا این که سفیانی قیام کند. هنگامی که او قیام کرد، دعوت ما را پاسخ دهید [این جمله را سه بار تکرار فرمودند] چرا که او از علایم حتمی است.

این روایات به وضوح بر این مطلب دلالت دارند که پس از قیام سفیانی - که از علایم ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است - مردی از اهل بیت علیهم السلام در میان مردم حضور دارد. این مرد ظاهراً کسی جز امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نمی تواند باشد.

5. روایت خسف بیداء؛ این احادیث، همان طور که خواهد آمد، به فرو رفتن سپاه سفیانی در سرزمین بیداء اشاره دارند، و از آن جا که بر اساس روایات معتبر، این حادثه با ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم زمان است. در نتیجه، این روایت نیز بر پیوستگی قیام سفیانی و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دلالت می کند.

6. روایاتی که بر درگیری سفیانی با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یا کشته شدن وی به دست آن حضرت دلالت دارند. این روایات نیز دلیل دیگری بر پیوستگی و قرب زمانی این دو رخداد مهم است - تفصیل این روایات در بخش های آینده خواهد آمد. بنابراین، به نظر می رسد براساس روایات پیش گفته، به پیوستگی حرکت سفیانی و حرکت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می توان رأی داد. فاصله زمانی این دو حادثه، در بخش های آینده، روشن خواهد شد.

### خسف بیداء

از مهم ترین رخداد های مربوط به حرکت سفیانی، حادثه «خسف بیداء» است. این حادثه مربوط به یکی از لشکرهای سفیانی است که در منطقه ای به نام بیداء به صورتی اعجاز آمیز در زمین فرو می رود و از آن جا که در روایات بسیاری از این حادثه به عنوان نشانه ای مستقل یاد شده است، آن را در بخشی جداگانه بررسی خواهیم کرد.

### نبرد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با سفیانی

بدون تردید از مهم ترین اهداف قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ایجاد حکومت عدل جهانی و ریشه کن کردن فساد و ستمگری است. از این رو، طبیعی است که میان آن حضرت و سپاه سفیانی که در مناطق مختلف جهان، مانند: شام، عراق، حجاز و... حضور دارند، درگیری هایی رخ می دهد.

بدین جهت، وقوع نبرد میان سپاه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و سفیانی، بدون استناد به احادیث اثبات پذیر خواهد بود. با این حال، روایات متعددی نیز به این مطلب تصریح کرده اند (45). از جمله امام علی علیه السلام در این باره فرموده اند:

إذا التقى السفیانی والمهدی للقتال، یومئذٍ یسمع صوت من السماء: ألا إن أولیاء الله أصحاب فلان؛ یعنی المهدی؛ (46)

چون سفیانی و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای نبرد رو در روی یک دیگر قرار گیرند، این ندا از آسمان به گوش می رسد، بدانید که یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اولیای خدا هستند.

روایات یاد شده از درگیری سپاه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و سفیانی در نواحی مختلف جهان گزارش داده اند. با توجه به روایاتی که از تصرف این نواحی توسط سفیانی خبر می دهد و با در نظر گرفتن هدف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که زدودن تمامی نمادهای ستمگری در سرتاسر دنیاست، چنین نبردهایی طبیعتاً وجود خواهد داشت.

البته پیش از آغاز این درگیری ها، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف براساس رسالت الهی خود، حجت را بر سفیانی و پیروانش تمام خواهد کرد و آن ها را به پذیرش حق و فرمان برداری از خود فرا خواهد خواند (47).

امام صادق علیه السلام در روایتی فرموده اند:

...فیدعوهم ویناشدهم حقّه و یخبرهم أنّه مظلوم مقهور و یقول: من حاجّنی فی الله فأنا أولى الناس بالله...؛ (48)

...امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن ها را دعوت و حق خود را به آنان یادآوری می کند، و به آنان خبر می دهد که او مظلوم است و حقش به زور غصب شده است، و می فرماید: کسی که با من درباره خدا محاجّه کند، من سزاوارترین و نزدیک ترین مردم به خدایم. ...

اما سفیانی از اطاعت آن حضرت سرپیچی می کند. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز برای پاک کردن جهان از لوث وجود او، اقدام خواهد کرد. در برخی از روایات، پذیرش اطاعت امام از سوی سفیانی و بیعت کردن او با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و سپس پشیمانی او از این عمل (به تحریک نزدیکان) گزارش شده است (49).

امام باقر علیه السلام فرموده اند:

...فیقول: أخرجوا إلیّ ابن عمّی، فیخرج علیه السفیانی فیکلمه القائم علیه السلام فیجیبی السفیانی فیبایعه ثم ینصرف إلی أصحابه فیقولون له: ما صنعت؟ فیقول: أسلمت و بایعت. فیقولون له: قَبَّحَ اللهُ رأیک... فیستقیله فیقَاتله...؛ (50)



...حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: پسرعمویم را نزد من بیاورید. سپس سفیانی نزد آن حضرت می آید و امام با او سخنی می گوید. سپس سفیانی با حضرت بیعت می کند و به سوی یارانش باز می گردد. از او می پرسند: چه کردی؟ می گوید: تسلیم شدم و بیعت کردم. می گویند: خداوند رأیت را از حق و صواب دور گرداند! ... پس او از آن حضرت می خواهد که بیعتش را از او بردارد و آن را ملغی کند. سپس با او می جنگد. ...  
البته روایات یاد شده، سندهای پذیرفتنی ندارند.

### فرجام سفیانی

بدون تردید در حکومت فضیلت محور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دیو صفتانی چون سفیانی، مجالی برای تحرک و فعالیت نخواهند داشت، بنابراین، پس از آن که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف او را به صلاح و سعادت دعوت کرد و او دعوت امام را بی پاسخ گذاشت، امام علیه السلام چاره ای جز قطع ریشه های فساد این فاسد نخواهد داشت. از این رو، طبیعی است که سرانجامی جز هلاکت در انتظار سفیانی نباشد.

در مورد کشته شدن سفیانی دو دسته روایت وجود دارد:

1. روایاتی که بر کشته شدن او به دست امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دلالت می کنند، (51)

از جمله امام علی علیه السلام فرموده اند:

...یهلک الله أصحاب السفیانی کلهم ولایبقی علی الارض غیره وحده فیأخذہ المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فیذبحه...؛ (52)

...خداوند تمام سپاه سفیانی را نابود می کند و هیچ کسی از آن ها جز سفیانی، روی زمین باقی نمی ماند. در این حال، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف او را می گیرد و گردن می زند. ...

امام باقر علیه السلام نیز در این باره فرموده اند:

...و يأخذ السفیانی أسیراً فینطلق به و یذبحه بیده...؛ (53)

...سفیانی را در حالی که اسیر شده نزد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می آورند و آن حضرت سفیانی را گردن می زند. ...

2. روایاتی که از کشته شدن او به دست سپاه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گزارش می دهند، (54)

از جمله امام علی علیه السلام فرموده اند:

فیؤتی بالسفیانی أسیراً فیأمر به فیذبح علی باب الرحبه...؛ (55)

سفیانی را اسیر می کنند، نزد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می آورند. آن حضرت دستور قتل او را صادر می کند و او نزد باب الرحبه کشته می شود. ...

امام باقر علیه السلام نیز در این خصوص فرموده اند:

...ثم یقول هذا رجل قد خلع طاعتی فیأمر به عند ذلک فیذبح علی بلاطه ایلیا...؛ (56)

...سپس امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: این مرد - سفیانی - از اطاعت من سر بر تافته. آن حضرت دستور قتل او را صادر می کند و او بر سنگ بیت المقدس گردن زده می شود. ...

نسبت دادن کشتن سفیانی را به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می توان مجازی دانست؛ به سبب این که، دستور قتل سفیانی از آن حضرت صادر می شود و لشکر آن حضرت، سفیانی را می کشد.

این روایات به لحاظ سند ضعیف و به لحاظ مصادر و تعداد به گونه ای نیستند که بتوان به مضمون آن ها اطمینان کرد اما با اعتبارات عقلی هم آهنگ هستند.

### مدت اقدامات سفیانی

مجموعه اقدامات سفیانی از آغاز حرکت تا زمان کشته شدن او پانزده ماه به طول می انجامد که شش ماه آن برای تصرف سرزمین های مورد نظر وی، صرف می شود. امام صادق علیه السلام در روایت معتبری فرموده اند:

السفیانی من المحتوم... من اول خروجه إلی آخره خمسہ عشر شهراً، سته أشهر یقاتل فیها...؛ (57)

سفیانی از حتمیات است... از ابتدای حرکت او تا آخر کارش، پانزده ماه به طول می انجامد. شش ماه آن را به جنگ و نبرد می گذرانند... در این مورد که او بر مناطق تحت تصرفش چند ماه حکم می راند، دو دسته روایت وجود دارد؛ برخی روایات زمان حکم رانی وی را نه ماه معین کرده اند، (58)

از جمله امام صادق علیه السلام در ادامه روایت سابق فرموده اند:

فإذا ملك الكور الخمس ملك تسعة أشهر و لم يزد عليها يوماً؛

چون سرزمین های پنج گانه را به تصرف خود در آورد، نه ماه و نه یک روز بیش تر، بر آن ها حکم می راند.

آن حضرت در روایت دیگری فرموده اند:

إذا استولى السفیانی علی الكور الخمس فعدّوا له تسعة أشهر؛ (59)

چون سفیانی به مناطق پنج گانه، سیطره یافت، برایش نه ماه بشمارید.

روایت دیگری، زمان حکومت او را هشت ماه می داند. ابو منصور بجلي، در ضمن روایتی می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: سفیانی نه ماه بر سرزمین های پنج گانه حکم می راند؟ حضرت فرمودند:

لا ولكن يملك ثمانية أشهر لا يزيد يوماً؛ (60)

خیر. او هشت ماه و نه یک روز بیش تر، حکم می راند.

از میان دو دسته روایات یاد شده، روایات دسته دوم از نظر سند ضعیف و اعتماد ناپذیرند، اما در میان دسته اول حدیث معتبر نیز وجود دارد. از امام صادق علیه السلام در حدیث معتبر دیگری که شیخ طوسی آن را از کتاب فضل بن شاذان روایت کرده این چنین نقل شده است:

إنّ السفیانی يملك بعد ظهوره علی الكور الخمس حمل امرأه. ثم قال علیه السلام: استغفر الله حمل جمل؛ (61)

سفیانی پس از سیطره بر سرزمین های پنج گانه به اندازه بارداری زن ( نه ماه ) حکم می راند. سپس فرمودند: از خداوند استغفار می کنم بلکه به اندازه بارداری شتر (یک سال) حکم می راند.

با این حال، درباره زمان حکم رانی سفیانی دو دسته روایت متعارض وجود دارد و درباره آن نمی توان قاطعانه داوری کرد. علامه مجلسی در توجیه اختلاف روایات یادشده، چند احتمال را ذکر می کند:

نخست این که برخی از این روایات تقیه ای باشد؛ زیرا در منابع اهل سنت نیز در این باره روایاتی وجود دارد؛

دوم این که در این باره احتمال بدا می رود، لذا احتمال تحقق هر یک از این مقادیر می رود؛

سوم این که این روایات ناظر به مدت اسقرار دولت سفیانی باشد که به حسب اعتبارات مختلف برای آن می توان زمان های متفاوتی را برشمرد (62). آن چه گذشت، بخشی از ابعاد ماجرای سفیانی و حوادث مربوط به آن بود. بی گمان، هنوز ابعاد دیگری از این رخداد وجود دارد که برای ما ناشناخته مانده است و با کنکاش و تأمل در روایات اهل بیت علیهم السلام می توان آن ها را به دست آورد.

1- عقد الدرر، ص 91.

2- کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 651؛ اعلام الوری، ج 2، ص 282.

3- کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 651.

4- کنز العمال، ج 14، ص 272.

5- الغیبه، نعمانی، ص 301.

6- کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 503.

7- کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 650.

8- الغیبه، نعمانی، ص 300.

9- قرب الاستاد، ص 373.

10- کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 555.

11- الغیبه، نعمانی، ص 419.

12- در منابع تاریخ اسلام و حدیث، هر جا نامی از سرزمین شام و شامات برده شده، منطقه سوریه فعلی، لبنان، اردن و فلسطین منظور بوده است.

13- معجم الاحادیث الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج 3، ص 88.

14- کنز العمال، ج 14، ص 272.

15- الغیبه، نعمانی، ص 391.

16- الغیبه، نعمانی، ص 423.

17- ر.ک: عصر ظهور، ص 98.

- 18- معجم الاحاديث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج 3، ص 81.
- 19- تفسير عياشي، ج 1، ص 245؛ الغيبة، نعماني، ص 289؛ الإختصاص، ص 256.
- 20- مجمع البيان، ج 8، ص 228؛ تفسير الصافي، ج 4، ص 227.
- 21- معجم احاديث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج 1، ص 419.
- 22- معجم احاديث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج 1، ص 420.
- 23- الدر المنثور، ج 5، ص 241؛ الميزان، ج 16، ص 393.
- 24- شرح احقاق الحق، ج 29، ص 567؛ معجم احاديث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج 3، ص 92.
- 25- معاني الاخبار، ص 346؛ بحار الانوار، ج 52، ص 190.
- 26- معجم احاديث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج 1، ص 355.
- 27- الغيبة، طوسي، ص 450؛ بحار الانوار، ج 52، ص 215.
- 28- مجمع النورين، ص 330.
- 29- تفسير عياشي، ج 1، ص 64؛ بحار الانوار، ج 52، ص 222.
- 30- الغيبة، نعماني، ص 289؛ نور الثقلين، ج 1، ص 486؛ بحار الانوار، ج 52، ص 238.
- 31- معجم احاديث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج 1، ص 400.
- 32- معجم احاديث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج 1، ص 421.
- 33- الارشاد، ج 2، ص 378؛ المستجاد، ص 262؛ اعلام الوری، ج 2، ص 285؛ كشف الغمّه، ج 3، ص 261.
- 34- الغيبة للنعماني، ص 288 باب 14، ح 67. (درباره اعتبار این حدیث، نک: کتاب حاضر ص 81)
- 35- الغيبة للنعماني، ص 288 باب 14، ح 67.
- 36- تفسير القمي، ج 2، ص 205. سند این روایت به این صورت است: ابی، عن ابن ابی عمیر، عن منصور بن یونس، عن ابی خالد الکابلی. درباره وثاقت ابراهیم بن هاشم، نک: معجم رجال الحدیث، ج 1، ص 291؛ درباره وثاقت ابن ابی عمیر، نک: الفهرست، ص 404؛ درباره وثاقت منصور بن یونس، نک: رجال النجاشی، ص 413؛ درباره وثاقت ابو خالد الکابلی، نک: معجم رجال الحدیث، ج 22، ص 152.
- 37- الغيبة للنعماني، ص 279، ح 43. سند این روایت به صورت زیر است: «حدثنا احمد بن محمد بن سعيد عن محمد بن الفضل، و سعدان بن اسحاق بن سعيد، و احمد بن الحسين بن عبدالمک، و محمد بن احمد بن الحسن القطواني قالو جميعاً: حدثنا الحسن بن محبوب، عن يعقوب السراج...» درباره وثاقت احمد بن محمد، نک: الفهرست، ص 68. درباره وثاقت احمد بن حسين بن عبدالمک، نک: الفهرست، ص 58. درباره وثاقت حسن بن محبوب، نک: رجال الطوسي، ص 334. درباره وثاقت يعقوب السراج، نک: رجال النجاشی، ص 451.
- 38- الغيبة للنعماني، ص 275 باب 14، ح 36. سند این روایت به این صورت است: «حدثنا أحمد بن محمد بن سعيد، قال: حدثنا القاسم بن محمد بن الحسن بن حازم قال: حدثنا عبيس بن هشام، عن عبدالله بن جبلة، عن محمد بن سليمان، عن العلاء، عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر محمد بن علي عليه السلام...» این حدیث به دلیل وجود قاسم بن محمد بن الحسن و... ضعیف است. (نک: مستدرکات علم رجال الحدیث، ج 6، ص 257)
- 39- ثبات الوصیه، ص 267.
- 40- الغيبة للنعماني، ص 313، باب 18، ح 8.
- 41- الغيبة للنعماني، ص 311، باب 18، ح 3 (درباره اعتبار این حدیث، نک: کتاب حاضر، ص 101).
- 42- الکافی، ص 264 ح 381. سند این روایت به این صورت است: «علی بن ابراهیم، عن أبيه، عن صفوان بن يحيى، عن عيص بن القاسم قال: سمعت أبا عبدالله عليه السلام يقول...» درباره وثاقت علی بن ابراهیم، نک: رجال النجاشی، ص 260. درباره وثاقت ابراهیم بن هاشم، نک: معجم رجال الحدیث، ج 1، ص 291. درباره وثاقت صفوان بن يحيى، نک: رجال النجاشی، ص 197. درباره وثاقت عيص بن القاسم، نک: رجال النجاشی، ص 302.
- 43- الکافی، ص 264، ح 383. (درباره اعتبار این حدیث، نک: کتاب حاضر ص 102)
- 44- الکافی، ص 274، ح 412.
- 45- معجم احاديث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج 3، ص 107 و 109 و 298 و 314 و 315 و 316 و 468 و...
- 46- معجم احاديث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج 3، ص 36.
- 47- معجم احاديث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج 5، ص 28.
- 48- بحار الانوار، ج 52، ص 387، باب 27، ح 205.
- 49- معجم احاديث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج 3، ص 313؛ معجم احاديث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج 5، ص 28 (این حدیث مرسله است).
- 50- بحار الانوار، ج 52، ص 388، باب 27، ح 20 ش 6 (این حدیث مرسله است).
- 51- معجم احاديث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج 5، ص 28 (این حدیث مرسله است).
- 52- التشریف بالمتن، ص 296، باب 79، ح 417 (به نقل از الفتن سلیلی).
- 53- معجم احاديث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج 5، ص 28 (این حدیث مرسله است).
- 54- معجم احاديث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج 3، ص 313.
- 55- معجم احاديث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج 3، ص 314.
- 56- معجم احاديث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج 3، ص 313.
- 57- الغيبة للنعماني، ص 310، باب 18، ح 1. (درباره اعتبار این حدیث، نک: کتاب حاضر ص 30)
- 58- الغيبة للنعماني، ص 316، باب 18، ح 14؛ الغيبة للنعماني، ص 311، باب 18، ح 3.
- 59- الغيبة للنعماني، ص 316، باب 18، ح 13.
- 60- کمال الدین، ص 651، باب 57، ح 11. سند این روایت به این صورت است: «حدثنا أبي و محمد بن الحسن قالوا: حدثنا محمد بن ابی القاسم ماجيلويه، عن محمد بن علي الكوفي، قال: حدثنا الحسين بن سفيان، عن قتيبة بن محمد، عن عبدالله بن أبي منصور الجبلي، قال: سألت ابا عبدالله عليه السلام...» این روایت به دلیل وجود محمد بن علی کوفی ضعیف است. (نک: اختیار معرفه الرجال، ج 2، ص 823)
- 61- الغيبة للطوسي، ص 449، ح 452. سند این روایت به این صورت است: «ابن أبي عمير عن عمر بن أذينة، عن محمد بن مسلم، قال: سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول: ...» درباره وثاقت ابن ابی عمیر، نک: الفهرست، ص 404؛ درباره وثاقت عمر بن اذینه، نک: رجال النجاشی، ص 283؛ درباره وثاقت محمد بن مسلم، نک: رجال النجاشی، ص 323. درباره اعتبار طریق شیخ طوسی به کتاب فضل بن شاذان پیش از این سخن گفته شد.
- 62- بحار الانوار، ج 52، ص 216.

## منابع:

## آخرین منجی شناخت نامه امام مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف

## تاملی در نشانه های حتمی ظهور